

بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر در دوره ابتدایی در ایران و ژاپن

■ معصومه کارگذار* ■ حانیه کبک** ■ آئینا الداغي***

چکیده:

مقاله حاضر بر آن است که ضمن بررسی عمیق برنامه درسی هنر در ایران و ژاپن، هدفها، اصول، رویکردها، محتوا، چگونگی اجرا، ارزشیابی و سایر ویژگی‌های آن‌ها را به گونه‌ای منطقی به تصویر بکشد. برای نیل به این مقصود، ابتدا مروری بر برنامه درسی هنر در هر دو کشور شده و پس از آن، با تأملی دوباره در این برنامه درسی، عناصر استنتاج و با مقایسه آن‌ها، تحلیل و نتیجه‌گیری انجام شده است. این پژوهش از نوع مطالعات تطبیقی است و با استفاده از روش جورج بردی انجام شده است. به‌طور کلی، نتایج مقایسه و ارزیابی نشان می‌دهند که اساساً تربیت هنری در نظام آموزشی کشور ما در مقایسه با کشور ژاپن، از یک سو با محدودیت‌های نظری و فکری، و از سوی دیگر با موانع و تنگناهای اجرایی و عملی دست‌به‌گریبان است. محدودیت‌های نظری ریشه در عدم اعتقاد و باور برنامه‌ریزان و کارورزان آموزشی به‌ضرورت و نقش ویژه تربیت هنری در شکوفایی قابلیت‌ها و استعدادها، مختلف دانش‌آموزان و تحقق هدف‌های نظام آموزشی دارد. به همین دلیل، تربیت هنری در کشور ما همواره دارای نقش و جایگاه فرعی و حاشیه‌ای در برنامه‌های درسی مدارس است. موانع اجرایی هم ناظر بر مشکلات و کمبودهای عمده‌ای است که در زمینه اجرای مناسب برنامه درسی هنر در مدارس وجود دارد.

برنامه درسی هنر، ایران، ژاپن، دوره ابتدایی

کلید واژه‌ها:

□ تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۸/۴ □ تاریخ شروع بررسی: ۹۷/۱۰/۱ □ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۲/۱۵

* دکترای برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران (نویسنده مسئول) m2.kargozar@gmail.com
** کارشناس علوم تربیتی دانشگاه آل طه، تهران kaboukhanieh@gmail.com
*** استادیار زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران Aldaghipf@gmail.com

مقدمه

نهاد آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای دارای کارکردهای مختلفی است. یکی از این کارکردهایی که مبین بخش مهمی از هدف‌های این نهاد است، تلاش در جهت رشد و شکوفایی قابلیت‌ها و استعداد‌های هنری و زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان است؛ آنچه اصطلاحاً تربیت هنری^۱ نامیده می‌شود (امینی، ۱۳۹۷).

لفظ «هنر» با ریشه سانسکریت، از دو کلمه «سو» به معنای هر چیز خوب و نیک که فضایل و کمالاتی بر آن مترتب است و «نر» یا «نره» به معنای زن و مرد تشکیل شده است. این واژه وارد زبان فارسی شده و در «اوستا» به شکل «هونر» در آمده که از صفات اهورامزدا به معنای خوب و نیک است. در فارسی میانه یا پهلوی و پس از آن در دوره اسلامی، به صورت «هنر» و به معنای انسان کامل و فرزانه و هم به معنای کمال و فضیلت آمده است. در لغت نامه دهخدا، هنر به معنای علم، معرفت، دانش، فضل، فضیلت، کمال، کیاست، فراست و زیرکی است (شریف‌زاده، ۱۳۸۷). در «دایره المعارف هنر» به فعالیت‌هایی چون نقاشی، طراحی، گرافیک، پیکره سازی، معماری، موسیقی، شعر، تئاتر، سینما و... هنر می‌گویند.

آیزنر^۲ (۲۰۰۲)، یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای اصلاح واقعی نظام‌های آموزشی را، تدارک جایگاهی معقول برای هنر در برنامه درسی می‌داند. گویی که آموزش هنر باید به یک بخشی اساسی از برنامه درسی مدارس مبدل شود و هنر در کنار مهارت‌های اساسی سه‌گانه (خواندن، نوشتن و حساب کردن) که به رسمیت شناخته شده‌اند، به عنوان چهارمین مهارت اساسی و پایه (۴thR) در برنامه درسی مورد تأکید قرار گیرد و بی‌مهری و انزوای تاریخی و سنتی از آن زدوده شود (مهرمحمدی، ۱۳۸۳).

اهمیت کارکرد فوق متاثر از این واقعیت است که آموزش هنر و تربیت هنری در رشد و بروز استعدادها و قابلیت‌های شناختی، عاطفی و مهارتی دانش‌آموزان نقش و تأثیری سازنده دارد. این تأثیرات البته به دلیل وجود قابلیت‌های ذاتی و نهفته در قلمرو هنر است، چراکه هنر تجسم خلاقیت انسان و حس زیبایی شناسایی اوست. درس هنر فرصتی را برای پرورش حس زیبایی شناسی و خلاقیت، تسهیل یادگیری درس‌های دیگر، بیان آزادانه احساسات، کشف مشکلات عاطفی و رفتاری، ابراز وجود و ارائه تجربه‌های شخصی، تلطیف عواطف، تشریک مساعی فکری، توسعه ارزش‌ها و نظایر آن فراهم می‌آورد. آموزش هنر دارای کارکردهای بسیار مهمی است که می‌تواند شخصیت فرد را برای اجتماعی زیستن، و دقیق و حساس بودن پرورش دهد. از همین رو آموزش هنر به کودکان و آشنا کردن آن‌ها با انواع هنرهای رایج، که بر پایه طبیعت درونی و طبیعت بیرونی متنوع اطرافشان بنا شده باشد، دارای اهمیت و ضرورت تام است (کریمی، ۱۳۹۷).

کودکان دبستانی باید بتوانند مهارت‌های پایه را فراگیرند، نیازها و خواسته‌های خود را به دیگران بفهمانند، اندیشه‌ها و احساسات دیگران را بفهمند، و در ایجاد ارتباط انسانی و روابط عاطفی با

دیگران، دست یافتن به فرصت‌های بیشتر یادگیری، فراگرفتن مهارت‌های حرکتی و برخورداری از نشاط و شادمانی موفقیت کسب کنند. به این وسیله است که آن‌ها قادر به رشد شخصیت و قدرت آفرینندگی خود خواهند بود. در این باره، فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌ی هنر نخستین گامی است که در جهت آموزش مهارت‌های اساسی برداشته می‌شود و موقعیت‌های یادگیری پر باری را برای همه‌ی آن‌ها فراهم می‌سازد. در سایه‌ی پرورش تفکر و تخیل آنان، اندیشه و هنر جدیدی تولید می‌شود و با فهم معنای مستتر در تولید هنری با ویژگی‌های پیش‌گفته، احساس شوق، شغف و رضایت درونی حاصل می‌شود (شرفی b، ۱۳۸۸).

هنرها به دانش‌آموزان می‌آموزند که مسائل می‌توانند بیش از یک راه‌حل، و پرسش‌ها می‌توانند بیش از یک پاسخ داشته باشند. از طریق هنرها این مفهوم دریافت می‌شود که کارهای خوب با شیوه‌های مختلفی قابل انجام‌اند (آیزنر، ۲۰۰۲).

اصولاً از همان آغاز خلقت، انسان‌ها با مقوله هنر همراه و عجین بوده‌اند و از طریق آن، تمامی خواسته‌ها و تجربه‌های خود را ابراز و منتقل کرده‌اند. در واقع انسان‌های نخستین، با هنر و بازی همه‌ی تجربیات و آرزوهای خود را بیان می‌کردند و از طریق همان رفتارها و کردارها، همه‌ی سنت‌های زیبای شعری، موسیقایی و در نهایت فرهنگ، فلسفه و تعلیم و تربیت را در جهان بنا نهادند و رواج دادند. اولین نشانه‌های توجه و استفاده از هنر در آموزش را در یونان باستان و به‌خصوص در کار فلاسفه‌ای مانند افلاطون و ارسطو ملاحظه می‌کنیم. در حدود پنج قرن قبل از میلاد مسیح در آموزش و پرورش آن، تاثیر و هنرهایی چون موسیقی، شعر و... را به‌عنوان عناصر ضروری در امر آموزش به کار می‌گرفتند و جوانان به‌شدت در این زمینه‌ها تعلیم داده می‌شدند (رضایی، ۱۳۸۸).

توجه به نقش و آثار متفاوت هنری کمابیش در آثار فلاسفه و صاحب‌نظران دوره‌های بعد، نظیر کمونیوس، لاک، پستالوسی، هربارت، فروبل و دیویی نیز به چشم می‌خورد. در عین حال، پشتوانه‌های تجربی و تحقیقاتی فراوانی هم در مورد ابعاد و نقش‌های گوناگون تربیت هنری وجود دارد. مثلاً یافته‌های نیوتن و دانکین^۱ (۲۰۱۱)، ضمن اینکه مؤید تأثیر هنر بر خلاقیت هستند، بیان می‌کنند که محیط‌های آموزشی برانگیزاننده‌ی خلاقیت، باعث افزایش قدرت ایده‌پردازی و اعتماد به نفس می‌شوند. نتایج تحقیق گریسون^۲ (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که این قابلیت در هنرهای تصویری وجود دارد که به عنوان موتور محرکی برای هدایت مسیر خلاقیت و نوآوری در مدرسه باشند. البته لازمه‌ی این تأثیرگذاری پرداختن به نقادی هنری و نه صرفاً آموزش هنر است. یافته‌های وارد، تامپسون، الی، و کامینسکی^۳ (۲۰۰۸) نیز رابطه‌ی معنادار بین هنر و خلاقیت را مورد تأکید قرار داده‌اند. آلتز، هایز و اهارا^۴ (۲۰۰۹) هم در پژوهش خود تصریح می‌کند که استفاده از الگوهای شناختی در آموزش و اجرای برنامه‌ی هنرهای تجسمی به‌طور مستقیم به رشد خلاقیت دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه کمک می‌کند. نبوی (۱۳۹۲) نیز در مطالعه خود نشان می‌دهد که هنرهای تجسمی (طراحی و نقاشی)، ادبیات (شعر،

قصه، داستان و...)، موسیقی، کارهای دستی (گل آرایی، گل کاری، منبت و...) و هنرهای نمایشی (سینما و تئاتر) در درک زیبایی طبیعت و شگفتی‌های زندگی، و به تبع آن بالا بردن قدرت درک دانش آموزان و قرار دادن آن‌ها در جریان رشد خلاقیت‌های ادبی و هنری نقش بسزایی دارند و نیز با ایجاد آرامش، باعث کاهش پریشانی‌های فکری و عاطفی و اختلالات روانی می‌شوند. ایجاد تعامل و هماهنگی و پی بردن به آداب و رسوم، ارزش‌های انسانی و... از دیگر آثار هنر در تعلیم و تربیت دانش آموزان است.

در نظام آموزشی کشورهای پیشرفته، بخش اعظم برنامه درسی دوره ابتدایی به درس‌هایی مثل هنر، موسیقی، کاردستی، ورزش، نقاشی، مهارت‌های خانه‌داری و فعالیت‌های ویژه مانند گردش، برپایی جشنواره‌های فرهنگی، هنری، ورزشی و... اختصاص یافته است. در ژاپن یک‌سوم برنامه‌های آموزشی دوره ابتدایی به این درس‌ها اختصاص دارد و می‌توان گفت: مدرسه‌های این کشور از نظر برپایی جشنواره‌ها و مناسبت‌های هنری، در جهان بی‌همتا هستند. در این کشور ۳۰ روز از سال تحصیلی به برگزاری جشنواره‌های هنری اختصاص دارد و همه دانش‌آموزان نیز در آن مشارکت دارند. به طوری که در مدرسه‌های این کشور، بدون بهره‌گیری از موسیقی و هنر، آموزش مفاهیم اجتماعی و فرهنگی امکان‌پذیر نیست (سرکارآرانی، ۱۳۹۳). به‌رغم پیشرفت و توسعه برنامه‌های درسی هنر در سراسر دنیا و توجه به جایگاه آن و عبور هنر از حاشیه به متن برنامه‌های درسی، برنامه درسی هنر دوره ابتدایی ایران به هماهنگی و توجه به پیشرفت‌ها و دیدگاه‌های امروز نیاز دارد تا بتواند به پیامدهای شایسته تربیت هنری دست یابد. هنوز در مدرسه‌های ما، هنر به حاشیه رانده می‌شود. از این رو، با توجه به دیدگاه‌های فلاسفه و محققان مختلف و نیز یافته‌های پژوهشی فوق که مؤید ظرفیت فوق‌العاده تربیت هنری هستند، و با توجه به سرآمد بودن نظام آموزشی ژاپن در آموزش هنر در مدرسه‌های خود در دوره ابتدایی، در این مطالعه برآنیم که به مقایسه برنامه درسی هنر دو کشور ایران و ژاپن در دوره ابتدایی بپردازیم تا دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان درسی به بازاندیشی و برقراری مستمر میان حوزه عمل هست‌ها و نیست‌ها دعوت شوند. که این امر خود به غفلت‌زدایی از برنامه درسی هنر دوره ابتدایی منجر خواهد شد. از سوی دیگر، از طریق این شناسایی می‌توان به تحمیل محرومیت‌های تربیتی پی برد که بر اثر حذف تجربه‌های یادگیری مطلوب برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی ایجاد شده‌اند و آثاری جبران‌ناپذیر را به همراه دارند. بدین ترتیب، هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر در دوره ابتدایی در ایران و ژاپن است.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر «پیمایش تطبیقی» است. داده‌های پژوهش از طریق اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و گزارش‌های تحقیقی و جست‌وجو در شبکه جهانی اینترنت مرتبط و سایت‌های وزارت آموزش و پرورش کشورهای مورد مطالعه گردآوری شده‌اند. الگوی مورد استفاده در این زمینه «الگوی

بردی» است که چهار مرحله توصیف، تفسیر، هم‌جواری و مقایسه را در مطالعات تطبیقی مشخص می‌کند. بر اساس این الگو، ابتدا اطلاعات مورد نیاز درباره کشورهای از منابع معتبر گردآوری و تفسیر شده‌اند، سپس طبقه‌بندی و در مرحله آخر تفاوت‌ها و تشابهات مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند. نمونه مورد بررسی، برنامه درسی هنر در ایران و ژاپن در دوره ابتدایی است.

یافته‌ها

● آشنایی با برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران

هنر یکی از مواد مورد مطالعه دانش‌آموزان در دوره ابتدایی است که در جدول درسی هفته‌ای دو ساعت به آن اختصاص داده شده است یعنی از ۲۸ ساعت آموزشی، حدود شش درصد به درس هنر اختصاص دارد. از آنجا که هدف غایی نظام تعلیم و تربیت برگرفته از دیدگاه اسلام در مورد فلسفه حیات است که همانا شکوفایی، تقویت و توسعه فطرت الهی برای دستیابی به مقام خلیفه الهی و قرب الهی است (برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹)، درس هنر نیز می‌تواند با ایجاد فضایی آزاد، به تقویت حواس، استعدادها، خلاقیت و ظرفیت‌های نهفته هوش کودکان کمک کند تا بدین وسیله فطرت پاک کودکان به خوبی نمایان شود و خصلت‌های نیک و فضایل آن‌ها پرورش یابد.

● تربیت هنری در ایران

از سال ۱۳۱۶ تاکنون، حوزه‌های محتوایی هنر که در دوره‌های تحصیلی در برنامه درسی هنر گنجانده شده‌اند، قابل توجه‌اند: در سال ۱۳۱۶: سرود، نقاشی و رسم، تعلیم خط؛ در سال ۱۳۱۹: سرود، نقاشی و کاردستی یا تعلیم خط، رسم و نقاشی؛ در سال ۱۳۲۸: سرود، نقاشی و کاردستی، خوشنویسی، خط؛ در سال ۱۳۴۲: هنر و کاردستی، و سرود؛ در سال ۱۳۴۵: هنر و کاردستی؛ در سال ۱۳۵۸: هنر و تعلیم خط؛ در سال ۱۳۷۳ تاکنون: نقاشی، کاردستی و خوشنویسی. در برنامه سال ۱۳۷۳ که تاکنون نیز ادامه دارد ساعات آموزش هنر تقریباً ۷۰ درصد افت داشته است که در مقایسه با بالاترین میزان ساعات آموزش هفتگی سال ۱۳۴۲ و حتی با لحاظ کردن ساعات آموزش هفتگی از ۲۸ ساعت به ۲۴ ساعت کاهش ساعت (افت حدود ۱۵ درصد) قابل توجه نیست و حکایت از بی‌توجهی عمیق به آموزش هنر در حال حاضر دارد که در طول تاریخ آموزش ابتدایی در ایران سابقه نداشته است (مهر محمدی، ۱۳۸۳). در ایران دو دوره برنامه درسی هنر، برنامه‌های درسی هنر گذشته (سنتی و دیسیپلین‌مدار) و جدید (تربیت هنری) مورد شناسایی قرار گرفته‌اند که به منظور دریافت میزان توجه به معرفت‌های هنری چهارگانه، مبانی نظری برنامه‌های درسی هنر و رویکردهای مبتنی بر آن و همچنین عوامل و عناصر عمده آن‌ها، به بررسی هر دو دوره می‌پردازیم تا برنامه درسی هنر در ایران را به‌طور کامل از گذشته تاکنون مورد بررسی قرار دهیم.

● آشنایی با برنامه‌های درسی هنر گذشته و وضع موجود:

در این بخش مبانی نظری و رویکردهای برنامه‌های درسی هنر گذشته و جاری را به منظور مقایسه مؤلفه‌های آن ارائه می‌شود:

الف) برنامه درسی هنر در سه دهه گذشته (از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۷۹)

هنر، یکی از راه‌های بیان احساسات و ارتباطات در همه جوامع به شمار می‌رود. دانش‌آموزان در رشته‌ها و قالب‌های هنری روش تجربه کردن، درک نظریات، بروز احساسات، و تشخیص ارزش‌ها و باورهای فرهنگی را فرامی‌گیرند. همچنین تکنیک‌ها و شیوه‌ها را تمرین و مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند و از این طریق نظرات خود را بیان می‌کنند (دابس، ۲۰۰۴). بررسی فعالیت‌ها و محتوای برنامه درسی هنر در کتاب‌های درسی هنر دوره ابتدایی در گذشته، از تأکید روی رویکردهای سنتی و «دیسپلین محور»^۷ حکایت می‌کند. به‌طور عمده، آموزش هنر چهار هدف را بر اساس رویکرد دیسپلین محور^۸ به شرح زیر در برمی‌گیرد:

۱. ترغیب دانش‌آموزان به اینکه مهارت‌ها و تکنیک‌ها را در جهت کشف و پرورش استعدادهای هنری خود، بیان احساس‌های شخصی، انجام فعالیت‌های هنری و انتقال مفاهیم از طریق هنر (تولید هنری) به کار گیرند؛

۲. به‌کارگیری نیروی ذهنی و فکری دانش‌آموزان در خصوص بررسی مضمون و ارزش هنر از یک منظر زیباشناختی (زیبایی‌شناسی)

۳. تقویت مهارت‌های انتقاد هنری و تحلیل فعالیت‌های هنری (نقد هنری)

۴. بررسی پیشینه و زمینه تاریخی، اجتماعی و فرهنگی پدیده‌های هنری (تاریخ هنر) (مهرمحمدی، ۱۳۸۳)

در رویکرد دیسپلین محور به‌عنوان یکی از رویکردهای آموزش هنر، جا دارد از خود پرسیم؛ خلق اثر هنری (تولید هنری) و همچنین ادراک و فهم آن مستلزم چه قابلیت‌هایی است؟ خلق اثر هنری مستلزم تحقق چهار هدف پیش گفته است که به‌طور مختصر به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. به‌کاربردن مهارت‌ها و تکنیک‌هایی که به صورت عملی و مرتبط با مسائل واقعی و زندگی یادگرفته می‌شوند، نیازمند یک محیط یادگیری غنی دارای منابع، مواد و امکانات آموزشی است. یادگیرندگان برای پرورش توانایی درک و فهم هنر با توجه به محتوای تهیه شده، به آموزش نیاز دارند. به عبارت دیگر، به یاری فنون تدریس و سایر عوامل و عناصر دیگر، همچون دستورالعمل‌ها، مواد و شیوه‌های متفاوت، در ایجاد فرم (دیدگاه

فراگرایی)، باید به علاقه‌های دانش‌آموزان توجه شود.

۲. هم در خلق اثر هنری توسط هنرمند و هم در دریافت آن توسط مخاطب، روش خاصی از درک اشیا (زیبایی‌شناسی)، رخدادها یا موقعیت‌های هنری وجود دارد که موجب می‌شود، معانی مستتر در اثر هنری تولید شده، آشکار شود. این نوع فهم با تفکر همراه است و در سطوح بالاتر شناختی قرار دارد.

۳. در خصوص تحلیل فعالیت‌های هنری (نقد هنری) به مطالعه آثار هنری هنرمندان و همچنین خودارزیابی دانش‌آموزان درباره تولید هنری خودشان به صورت توصیف، تفسیر و قضاوت آن‌ها نیاز داریم. به این وسیله قابلیت‌های مربوط به نقادی را در خود رشد می‌دهند تا به ادراکی عمیق‌تر و فهم بهتر از آثار هنری برسند.

۴. تاریخ هنر به دانش‌آموزان حس و نگرشی از تمدن و فرهنگ‌ها را ارائه می‌دهد و شامل اطلاعات واقعی درباره هنرمندان و تأثیرات اجتماعی مرتبط با خلق آثار هنری است.

به این ترتیب، مهرمحمدی (۱۳۸۳، ص ۱۰۱) از رویکرد دیسیپلین محور به منزله نگرشی جامع‌تر نسبت به آموزش و یادگیری هنر نام می‌برد که با عملکرد تخصصی و مجموعه‌ای از روش‌های ویژه، امکان مطالعه چهار حوزه را فراهم می‌آورد. بر این اساس، تصمیم‌هایی که در آموزش هنر گرفته می‌شوند، بیشتر مبتنی بر هنرجو هستند. برای مثال، در زمینه درگیر کردن دانش‌آموزان با خلق اثر هنری با استفاده از ابزارها و رسانه‌های مختلف، نقد کردن و مطالعه پیشینه امکان تجربه منحصر به فردی (تجربه زیبایی‌شناختی) را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند.

حوزه‌های معرفتی تولید هنری، زیبایی‌شناسی، نقد هنری و تاریخ هنر، دارای عناصر ویژه‌ای هستند که دانش‌آموزان می‌باید متناسب با این عناصر کار کنند. بخشی از برنامه درسی هنر در گذشته در چارچوب رویکرد سنتی قرار داشته که عبارت است از بیان عینی (فرم- تولید هنری) اندیشه‌ها و ایده‌های خلاق و آفرینش‌گرایانه فرد (ادراک و تصور) که طی آن، فرد با استفاده از مواد و وسایل هنری و ارتباط برقرار کردن میان دست و ذهن به احساس، ادراک و تصور خود که نشئت گرفته از تجربه‌های محیطی است، فرم یا صورتی خارجی بدهد و به دیگران منتقل کند (کیان و مهرمحمدی، ۱۳۹۲).

عوامل و عناصر عمده برنامه‌های درسی هنر گذشته در جدول ۱، با توجه به ویژگی‌هایی همچون هدف‌های کلی، محتوا، برنامه درسی، تلقی از یادگیرنده و نقش معلم، خلاقیت، اجرا، آثار هنری و ارزشیابی ارائه شده‌اند:

جدول ۱. عوامل و عناصر برنامه درسی هنر در گذشته

ویژگی‌ها	برنامه درسی هنر قبل از سال ۱۳۵۷	برنامه درسی هنر از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰
رویکردها و روش‌ها در برنامه‌درسی هنر	توجه به تمایلات عمیق و شخصی دانش‌آموزان	پرورش انسان‌های فعال، خلاق و تولیدکننده
هدف‌های کلی	توجه به هنر خوشنویسی مطالعه آثار هنری توجه به رابطه طبیعت و آثار هنری خلق‌شده مهارت‌ها و اصول پایه	توجه به هنر خوشنویسی درک و فهم بصری توجه به مقتضیات محلی و منطقه‌ای روش ساختن وسایل کار
محتوا	خلق اثر هنری مبتنی بر دانش و تاریخ هنر، دستورالعمل‌ها، مواد و شیوه‌های متفاوت	خلق اثر هنری با استفاده از دستورالعمل‌ها و انجام تمرینات کتاب هنر
برنامه درسی	نداشتن راهنمای برنامه درسی هنر برخورداری از کتاب درسی هنر	نداشتن راهنمای برنامه درسی هنر برخورداری از کتاب درسی هنر
تلقی از یادگیرنده و نقش معلم	یادگیرندگان برای پرورش توانایی درک و فهم هنر با توجه به محتوای تهیه‌شده، به آموزش نیاز دارند	یادگیرندگان برای پرورش توانایی درک و فهم هنر با توجه به محتوای در نظر گرفته‌شده، به آموزش نیاز دارند
خلاقیت	ابراز وجود (رویکرد سنتی)، مشاهده تصاویر آثار هنری مختلف (رویکرد پرورش تفکر) و آشنایی با عناصر بصری و دستورالعمل‌ها موجب پرورش خلاقیت را فراهم می‌آورد. تقلید و نسخه‌برداری به منظور آشنایی با عناصر بصری سودمند است. البته اگر آثار هنری در دستور کار باشد ولی به‌طور معمول این‌طور نبوده است.	فهم و درک هنر از طریق اجرای دستورالعمل‌هایی در رشته‌های نقاشی، کاردستی، خوشنویسی، سفالگری، نمایش، داستان و سرود که اگر به‌درستی اجرا می‌شد، موجب پرورش خلاقیت را فراهم می‌آورد. معمولاً تقلید و نسخه‌برداری به‌قصد مطالعه آثار هنری نبوده است.
اجرا	انجام فعالیت در کلاس درس	انجام فعالیت در کلاس درس
آثار هنری	مطالعه آثار هنری بر اساس تولید هنری (ساختن و خلق اثر هنری)، زیبایی‌شناسی و تاریخ هنر	ساخت و خلق اثر هنری بر اساس دستورالعمل‌های کتاب هنر
ارزشیابی	ارزشیابی مبتنی بر ساخت و خلق اثر هنری و تمایلات عمیق و شخصی یادگیرنده، بدون جهت‌گیری فرایندی معلم بوده است	ارزشیابی مبتنی بر تمرینات کتاب هنر بوده است

ب) برنامه درسی جدید هنر دوره ابتدایی (دهه جاری - از سال ۱۳۷۹ به بعد)

طراحی و تدوین برنامه درسی جدید هنر دوره ابتدایی در سال ۱۳۷۹ اولین تجربه برنامه‌ریزی درسی هنر مبتنی بر استفاده از نظریات حوزه برنامه درسی برای پایه‌های اول تا پنجم است که اجرای آزمایشی آن تا سال پنجم ابتدایی اعتباربخشی شده است. در این برنامه درسی جدید، به برخی ابعاد نظریات گاردنر، همچون تنوع و تلفیق رشته‌های هنری (نقاشی، کاردستی، نمایش و موسیقی) متناسب با راهبردهای هوش چندگانه، مشارکت دانش‌آموزان و معلم، تقویت خلاقیت و ارتباط با طبیعت، و همچنین به صورت تلویحی به برخی نظریات هم سو با رویکرد دیسپلین محور آیزنر (زیبایی‌شناسی، تاریخ هنر، تولید هنری و نقد هنری) و نظایر آن، به صورت نظری توجه شده است (شرفی، ۱۳۸۸a).

نواب صفوی و رادپور (۱۳۸۵) اظهار می‌دارند: در برنامه درسی جدید هنر، رشته‌های هنری نظیر نقاشی، کاردستی، قصه‌گویی، نمایش و موسیقی، با توجه به تدوین کتاب راهنمای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی» سازمان پژوهش، طراحی شده‌اند و بخش اجرا و پشتیبانی آن هم به معاونت آموزش عمومی و امور تربیتی سپرده شده است.

در سال ۱۳۸۵ «شورای برنامه‌ریزی گروه هنر» دفتر تألیف سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در طراحی و تدوین برنامه درسی هنر سه بخش به این شرح در نظر گرفت: بخش اول «تربیت هنری» به عنوان رویکرد برنامه درسی هنر، ویژگی‌ها و موضوعات کلی آن. بخش دوم: اصول، هدف‌ها و محتوای برنامه درسی هنر. بخش سوم: چگونگی اجرا و ارزشیابی فعالیت‌های هنری دانش‌آموزان.

ویژگی‌های تربیت هنری عبارت‌اند از:

- انجام فعالیت‌های هنری در فضایی که کودکان آزادانه تخیل و اندیشه کنند، حواسشان تقویت شود، ظرفیت‌های هوش و تفکرشان پرورش یابد، عواطف و احساساتشان توسعه یابد و نیز استعدادها و خلاقیت‌هایشان شکوفا شود.
- در تربیت هنری، دانش‌آموزان محصول هنری ارزشمندی را تولید می‌کنند. در این مسیر، فهم و ادراک بصری آن‌ها رشد می‌یابد و آشنایی با ابزار و شیوه‌های بیان هنری به آن‌ها کمک می‌کند که احساسات درونی خود را بیان کنند.
- توجه به تفاوت‌های فردی، سطح رشد و افزایش انگیزه دانش‌آموزان، یکی از ویژگی‌های تربیت هنری است تا آن‌ها به میل خود به انجام فعالیت‌های هنری پردازند.

در تربیت هنری، ابعادی همچون این موارد مورد تأکیدند:

رشد خلاقیت؛ ادراک حسی عمیق پدیده‌های هنری؛ پرورش و به‌کارگیری حواس مختلف؛ کسب آگاهی از تجربه‌های بصری و دیداری؛ تولید هنری؛ ارزش‌گذاری نقادانه شکل‌های بصری و نمایشی؛

کسب مهارت‌های لازم؛ شناخت و فهم تاریخی و فرهنگی، افزایش حساسیت دانش‌آموز نسبت به ابعاد زیباشناختی و توجه به طبیعت و عناصر موجود در آن (راهنمای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، ۱۳۹۰).

مهم‌ترین عناصر تربیت هنری عبارت‌اند از:

- **زیباشناسی و ارتباط با طبیعت:** اولین قدم آشنا کردن کودکان با زیبایی‌های محسوس در طبیعت است. طبیعت یکی از مهم‌ترین منابع الهام برای انسان به شمار می‌رود که با قرارگرفتن عوامل بصری، مانند وزن و ریتم، تنوع، بافت، تناسب، شکل و ترکیب در کنار یکدیگر، زیبایی می‌آفریند.
- **آشنایی با تاریخ هنر:** در جریان تربیت هنری، کودکان با فرهنگ و هنر ایرانی آشنا می‌شوند.
- **تولید هنری:** کودکان تخیلات خود را با استفاده از ابزار و مواد گوناگون متناسب با رشته‌های هنری مختلف، به صورت اثر هنری ارائه می‌کنند.
- **نقد هنری:** در پایان هر فعالیت هنری، لازم است کودکان را تشویق کنیم که درباره فعالیت و اثر هنری خود توضیح دهند (راهنمای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، ۱۳۹۰).

جدول ۲. عناصر برنامه درسی جدید هنر

برنامه درسی جدید هنر (طراحی و تدوین شده)	ویژگی‌ها رویکردها و روش‌ها در برنامه درسی هنر
<ul style="list-style-type: none"> ■ آشنایی با خلقت (طبیعت) به عنوان منبع الهام آفرینش‌های هنری ■ آشنایی با رشته‌های هنری و آشنایی مقدماتی با ابزار و مواد هر یک از رشته‌های هنری ■ توسعه مهارت‌های حرکتی برای کاربرد مواد، ابزار و فنون ساده هنری ■ توانایی بیان افکار و احساسات در رشته‌های هنری ■ توجه به زیبایی‌ها و پرورش حس زیبایی‌شناسی ■ علاقه به کاوشگری و کسب تجربه در رشته‌های مختلف هنری ■ توجه به حفظ آثار هنری و میراث فرهنگی 	<p>هدف‌های کلی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ■ ارتباط با طبیعت ■ نقاشی، کاردستی، تربیت شنوایی، قصه و قصه‌گویی، نمایش ■ آشنایی با میراث فرهنگی و هنری ایران ■ آشنایی با رشته‌های هنری 	<p>محتوا</p>
<ul style="list-style-type: none"> ■ برخوردار از راهنمای برنامه درسی هنر (نداشتن کتاب درسی هنر- در مرحله اعتباربخشی برنامه درسی هنر چهارم و پنجم است). 	<p>برنامه درسی</p>

جدول ۲. (ادامه) عناصر برنامه درسی جدید هنر

ویژگی‌ها	رویکردها و روش‌ها در برنامه درسی هنر
تلقی از یادگیرنده و نقش معلم	برنامه درسی جدید هنر (طراحی و تدوین شده)
تلقی از یادگیرنده و نقش معلم	<ul style="list-style-type: none"> توجه به هوش‌های چندگانه دانش‌آموزان در طراحی فعالیت‌ها و محتوای برنامه درسی هنر یادگیرندگان به آموزش نیاز دارند
خلاقیت	<ul style="list-style-type: none"> با توجه به تأکید بر تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و رشته‌های هنری گوناگون و جهت‌گیری‌های فرایندی معلم، چنانچه به درستی اجرا شود، امکان پرورش خلاقیت وجود دارد. به‌منظور توسعه مهارت‌های هنری، تقلید و نسخه‌برداری به‌صورت تلویحی انجام می‌شود.
اجرا	<ul style="list-style-type: none"> ساعت هنر با مدت‌زمان ۴۵ دقیقه به‌طور معمول در کلاس درس است، ولی در برخی مدرسه‌ها، در اتاق ویژه هنر (کارگاه هنر) اجرا می‌شود که تعداد این‌گونه مدرسه‌ها بسیار اندک است
آثار هنری	<ul style="list-style-type: none"> توجه به ساخت و خلق اثر هنری با تأکید بر جهت‌گیری فرایندی معلم که در طراحی و تدوین برنامه درسی هنر در نظر گرفته شده است.
ارزشیابی	<ul style="list-style-type: none"> ارزشیابی توصیفی مبتنی بر ساخت و خلق اثر هنری (فرم و عناصر بصری آن)، معنا، گفت‌ووشوند، همکاری فکری و ابزاری، ارتباط کلامی به‌صورت بیان عواطف و احساسات، ایفای نقش (بازیگری)، حساسیت به صداها، موزون و نظایر آن

● تحلیل و نقد برنامه‌های درسی هنر در گذشته و در حال حاضر:

این بخش از نوشتار با استفاده از منابع علمی و پژوهشی، اسناد و محتوای کتاب‌های درسی دانش‌آموزان در گذشته و کتاب راهنمای برنامه درسی جدید هنر، توصیف و تحلیل شده است. در گذشته (قبل از سال ۱۳۷۹)، برنامه‌ریزی درسی هنر از یک‌سو به دلیل جوان بودن رشته برنامه‌ریزی درسی در ایران، و از سوی دیگر، نبود مطالعاتی به‌صورت مدون در حوزه رویکردهای برنامه درسی، به‌صورت منسجم صورت نمی‌گرفت. ولی از رویکردهای عمده همچون رویکرد دیسپلین محور به‌صورت اقتباسی در کتاب‌های درسی استفاده می‌شد. رویکرد دیسپلین مدار کم و بیش در حول محور چهار حوزه تولید هنری، زیبایی‌شناسی، نقد هنری و تاریخ هنر بود و بیشتر به روش‌های آموزش هنر بر پایه فعالیت‌های یادگیری مستقل یا واحدهای آموزش هنر به منظور آشنایی با رشته‌های هنری و تکنیک‌ها، ابزار و مواد مرتبط با آن (تولید هنری)، و همچنین مطالعه آثار هنری هنرمندان بزرگ (نقد هنری) می‌پرداخت. قلمروی مهارت‌ها و آموزش آن که یکی از اجزای تشکیل‌دهنده خلاقیت است، در حوزه آموزش چندان مورد

توجه قرار نمی‌گرفت. زیرا اغلب آموزشگران و آموزگاران، دوره تربیت معلم و دوره‌های ضمن خدمت آموزش هنر را نگذرانده بودند و همچنین این ساعات از غنای لازم برای فراگیری مهارت‌ها برخوردار نبود. هنوز هم در برنامه درسی جدید آموزش هنر این وضعیت وجود دارد. لاقلاً انتظار می‌رود، دانشجویان رشته آموزش ابتدایی و آموزگاران، کتاب «راهنمای برنامه درسی جدید هنر دوره ابتدایی» را به منظور استفاده در ساعت هنر در اختیار داشته باشند (امینی، ۱۳۹۶).

در گذشته، آموزگاران در ساعت هنر، کتاب‌های تألیف شده برای دانش‌آموزان را آموزش نمی‌دادند، در صورتی که مؤلفان آن‌ها به آموزش مهارت‌ها که مبتنی بر مبانی هنرهای تجسمی بود، توجه خاصی داشتند. در تدوین کتاب «راهنمای برنامه درسی جدید هنر در آموزش ابتدایی»، اگرچه حوزه مهارت‌ها در نظر گرفته شده، ولی به‌طور تلویحی و شاید کمتر از آن به مبانی هنرهای تجسمی توجه شده است. به هر حال آموزش آن به مسائلی بستگی دارد که پیش‌تر گفته شد (نواب صفوی و رادپور، ۱۳۸۵). در فهرست مندرجات فعالیت‌ها و محتوای برنامه درسی هنر گذشته (از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۷۹) و جدید (از سال ۱۳۷۹ تا کنون) از حیث موضوعی، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی به شرح زیر به چشم می‌خورد:

برخی فعالیت‌ها و قالب‌های هنری در هر دو برنامه درسی کم و زیاد شده است. برای مثال، بخش هنر خوشنویسی حذف شده و در عوض، هنر موسیقی در حد مهارت شروع شنیدن و همچنین هنر نمایش و قصه‌گویی اضافه شده است.

در خصوص حذف بخش خوشنویسی در برنامه جدید هنر، توضیح این نکته ضروری است که خوشنویسی از یک سو با فزاینده‌تری بیشتری امکان تلفیق با هنرهای دیگر و مضامین را دارد، و از سوی دیگر، با رعایت مهارت‌های شروع نوشتن و تلفیق آن با عناصر جذاب مانند رنگ، تکنیک، تلفیق خط و نقاشی و نظایر آن، موجبات تقویت تربیت هنری در این حوزه را فراهم می‌آورد.

برنامه درسی جدید، از این نظر که به «چه چیز، چرا و چگونه» پرداخته، غنای بیشتری دارد. برای مثال کوشش شده است، تولید هنری متناسب با توانایی‌ها و هوش چندگانه‌گاردنر طراحی شود. اگرچه برنامه درسی قدیم به این شکل مدون نشده بود، ولی دلایل علمی چه چیز، چرا و چگونه هم می‌توان برای آن تهیه کرد. مثلاً مبانی هنرهای تجسمی در کتاب‌های درسی هنر گذشته متناسب با حوزه تولید هنری در رویکرد دیسیپلین محور است.

وجود کتاب «هنر دانش‌آموز» برای محتوای برنامه درسی قدیم، یکی از مواردی است که نسبت به برنامه درسی جدید برتری دارد. اما لازم است در انتخاب و اندازه نوشته‌ها، تصویرها و فعالیت‌های یادگیری، به تناسب آن‌ها با هر درس و نیز زمان در نظر گرفته شده، توجه شود.

کمیود پرداختن به مسائل مرتبط با اجرا در هر دو برنامه درسی به شدت احساس می‌شود؛ از جمله: توضیح در مورد تدارک فرصت‌های یادگیری؛ غنی کردن منابع یادگیری؛ برخورداری ساعت هنر

از بهترین فعالیت‌ها و محتوای برنامه درسی هنر؛ آموزش ضمن خدمت برای آموزگاران؛ و مانند آن. هنوز هم در برنامه درسی جدید هنر؛ همچون برنامه درسی قدیم، برای ارتباط از بیرون به درون فرد (دانش‌آموز)، به‌جز دستورالعمل‌ها و برنامه ازپیش‌تعیین‌شده (دستورالعمل خاص)، برنامه یا شرایط خاصی وجود ندارد؛ مواردی مانند محیط معنادار و غنی همچون کارگاه هنر، معلم آشنا به روش‌های نوین تدریس هنر؛ دیدن آثار هنری به‌صورت واقعی در نگارخانه‌ها و موزه‌ها و به‌صورت مجازی (مجلات و رسانه‌های ترکیبی مانند V-CD). از این رو، در اجرای برنامه درسی جدید هنر ابتدایی به کوشش بیشتری در این باره نیاز است.

در گذشته میان برنامه درسی هنر و برنامه آموزشی امور تربیتی به‌طور تلویحی تقسیم وظایف صورت‌گرفته بود. به این ترتیب که بخش آموزش نقاشی، کاردستی و خوشنویسی را دفتر تألیف کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی طراحی و تدوین می‌کرد و در اجرا هم، معاونت آموزش ابتدایی و سازمان‌های وابسته به آن در استان‌ها و مناطق آموزشی، می‌باید از اجرای آن، پشتیبانی‌های لازم را به عمل می‌آوردند. مثلاً باید نظارت و راهنمایی آموزشی صورت می‌گرفت و یا کلاس‌های آموزش ضمن خدمت برگزار می‌شدند و نظایر آن. ولی در عمل توجه چندانی به این موارد نمی‌شد. بخش نمایش، سرود و موسیقی و همچنین برگزاری مسابقات هنری هم به معاونت امور پرورشی محول شده بود. در این حوزه‌ها منتخبی از دانش‌آموزان به‌صورت ساعات باز و در صورت لزوم در ساعات دیگر مواد درسی (در مدارس عادی) و همچنین در ساعات فوق‌برنامه در خارج از برنامه درسی هفتگی (در مدارس خاص مثل مدارس شاهد) فعالیت می‌کردند. با مقایسه ویژگی‌های برنامه درسی هنر گذشته (از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۷۹) و موجود (از سال ۱۳۷۹ تاکنون) با تفاوت‌ها و شباهت‌هایی به شرح زیر مواجه می‌شویم:

- در طراحی برنامه درسی جدید هنر و در تهیه و تدوین کتاب هنر دانش‌آموز در گذشته، به تمایلات عمیق و شخصی دانش‌آموزان توجه شده است.
- در برنامه درسی قدیم هنر، به حوزه مهارت‌ها و اصول پایه و معرفی روش ساختن وسایل کار و همچنین مقتضیات عملی و منطقه‌ای، بیشتر از برنامه درسی جدید هنر توجه شده است.
- در برنامه درسی قدیم هنر، راهنمای برنامه درسی هنر متناسب با نظریه‌های حوزه برنامه درسی موجود نبود، ولی کتاب‌های روش تدریس ویژه آموزگاران وجود داشت. ضمن اینکه کتاب‌های تألیفی مخصوص دانش‌آموزان این نقصان را تا اندازه‌ای کاهش می‌داد.
- امکان پرورش خلاقیت در برنامه‌های درسی قدیم و جدید هنر مشاهده می‌شود.
- در برنامه درسی هنر قدیم و جدید فعالیت‌های هنری به‌طور معمول در کلاس انجام می‌شود.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده می‌توان به این نتیجه دست یافت که در هر دو برنامه درسی هنر قدیم و جدید نقاط قوت و ضعفی وجود دارند که باید برای طراحی و اجرای برنامه درسی هنر به آن‌ها توجه کرد و بر پایه آن‌ها تمهیداتی برای بهبود برنامه درسی هنر اندیشید.

● آشنایی با برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ژاپن

هدف از آموزش هنر در ژاپن، پرورش افرادی با حساسیت بالاست تا در آینده زندگی معنوی متعالی داشته باشند. از این لحاظ، موضوع‌های درسی دیگر با هنر هم سنگ نیستند و این مهم فقط از هنر ساخته است. می‌توان گفت هدف از تدریس هنر این است که با استفاده از مهارت‌های اندیشیدنی و تصویری، همانند ارزش‌شناسی (نقد هنری)، بیان و مشاهده هنر/آثار هنری، دانش‌آموزان را به یادگیری مهارت‌های نوشتنی و خواندنی بنیادین ترغیب کنند. زیرا هنر با تمامی موضوع‌های دیگر مرتبط است (اوکازاکی و ناکاروما، ۲۰۰۳).

دامنه و گستره برنامه درسی هنر از برنامه‌های کاملاً ساختمند تشکیل شده است که طی آن، به دانش‌آموزان تکالیف اجباری پیش‌رونده داده می‌شود. در پنج‌سالگی کودکان ژاپنی وارد کلاس اول می‌شوند، و از آن به بعد تا کلاس ششم یا در هفته دو ساعت آموزش هنر دارند. در توکیو، معمولاً یک متخصص هنر مدارس ابتدایی درس می‌دهد ولی همه‌جا به این شکل نیست. برای مثال، در توکیو و اوساگا، هنر در مدرسه‌های ابتدایی توسط معلم کلاس تدریس می‌شود. کشور ژاپن یک جامعه چند فرهنگی نیست، بلکه دارای برنامه درسی ملی است، این تصور وجود دارد که تربیت هنری اساساً می‌تواند به رشد بردباری، درک و احترام متقابل، و فرهنگ صلح کمک کند. هدف اصلی تربیت هنری، شکوفایی و رشد انسان از طریق تربیت هنری است. موضوع‌های چند فرهنگی، فرهنگ ملی، میراث فرهنگی ملی، و آموزش از طریق موزه‌ها در برنامه درسی مورد توجه قرار می‌گیرد. برای پی بردن به اهمیت و جایگاه تربیت هنری در نظام ژاپن، می‌توان به اطلاعات جدول ۳ توجه کرد.

جدول ۳. برنامه درسی هفتگی دوره ابتدایی کشور ژاپن

درس	پایه	کلاس اول	کلاس دوم	کلاس سوم	کلاس چهارم	کلاس پنجم	کلاس ششم
زبان ژاپنی	۸	۸	۸	۸	۸	۶	۶
تعلیمات اجتماعی	۲	۲	۲	۳	۳	۳	۳
حساب	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵
علوم	۲	۲	۲	۳	۳	۳	۳
موسیقی	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
هنر و کاردستی	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
خانه‌داری	-	-	-	-	-	۲	۲
ورزش	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
اخلاق و دینی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
فعالیت‌های خاص	۱	۱	۱	۱	۲	۲	۲

همچنان که ملاحظه شد، در کشور ژاپن میزان ساعات اختصاص داده‌شده به تربیت هنری (شامل موسیقی، هنر و کاردستی) در دوره‌ی ابتدایی، از زمان تخصیص‌یافته به درس‌هایی چون علوم، تعلیمات اجتماعی، اخلاق و دینی بیشتر، و با اندکی تفاوت تقریباً معادل ساعات درس ریاضی است (امینی، ۱۳۹۷).

● سابقه‌ی تدریس هنر در ژاپن

در ژاپن برنامه‌ی آموزش هنر وزارت آموزش، بعد از جنگ دوم جهانی، به‌طورکلی شش بار هم در نظر و هم در عمل دستخوش تغییر شده است (سال‌های ۱۹۴۷، ۱۹۵۱، ۱۹۵۸، ۱۹۶۸، ۱۹۷۷ و ۱۹۸۹). دو برنامه‌ی اولیه در سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۵۱ برنامه‌ی درسی تجربی کوتاه‌مدتی ارائه دادند که البته تحت کنترل مقرهای عمومی نیروهای متحدین تدوین شده بود. هرچند اثرگذاری آمریکایی‌ها در لابه‌لای محتوای در نظر گرفته‌شده نشان داده می‌شد، اما این برنامه‌ها بیشتر بر مبنای شیوه‌ی عملی ساخت و خلق آثار هنری استوار بودند تا تأکید بر دیدگاه زیبایی‌شناسانه. به لحاظ بنیادین، برنامه‌های یادشده تغییر جهتی از شیوه سنتی آموزش هنر ژاپنی به شیوه دیگر را نشان می‌دادند که این شیوه نوین، ترکیبی بود از سنت ژاپنی و تدریس هنر به شیوه غربی. سومین برنامه که در سال ۱۹۵۸ عرضه شد، بر دانش‌آموزان متمرکز بود و هدف را پرورش دیدگاه‌های خلاقانه و عملی از طریق تکنیک‌های پایه‌ی هنرسازی و نگریستن از دریچه آثار هنری در نظر گرفته بود. چهارمین تغییر در سال ۱۹۶۸ برنامه‌ای را ارائه داد که محور آن بر معلم بود. به دلیل در پیش گرفته شدن شیوه‌ی مطالعه (نظام مند)، محتوا در این برنامه به پنج دسته‌بندی تقسیم شده بود: چاپ؛ تندیس‌سازی؛ طراحی؛ کاردستی؛ و ارزش‌شناسی (نقد). در سال ۱۹۷۷، محتوای برنامه‌ی آموزش هنر دستخوش تغییر بسیار عمیقی شد و به دو مفهوم عمده «توصیف» و «ارزش‌شناسی» (که شامل نقد هم بود) تقسیم شد. هدف از این برنامه‌ی درسی، انجام فعالیت آفرینشی ترکیبی از طریق آثار هنری بود.

در نهایت، در سال ۱۹۸۹ اصلاحاتی بر مبنای مفهوم همان برنامه‌ی درسی سال ۱۹۷۷ صورت پذیرفت. البته با این تفاوت که نقش بازی و لذت بردن در حین انجام کارهای هنری نیز، علاوه بر یادگیری تکنیک‌های ساخت محصولات هنری، به برنامه‌ی جدید اضافه شد. هدف از تدریس هنر، تقویت توانمندی ابتدایی دانش‌آموزان برای انجام فعالیت‌های خلاقانه و تولیدی از طریق شرح و توصیف، ارزش‌شناسی و نقد بود؛ درحالی‌که هم‌زمان لذت حاصل از توصیف و پرورش احساسات غنی هنری در کودکان نیز مدنظر قرار گرفت. این سه مفهوم در سه دسته‌بندی توصیفی به این شرح جای می‌گیرند: (۱) فعالیت خلاقانه بر اساس موادی که در دسترس قرار دارند. (۲) فعالیت توصیفی دوبعدی و سه‌بعدی. (۳) فعالیت تولیدی در مورد آنچه مدنظر است.

برخی نتیجه‌گیری‌ها بر اساس ویژگی‌های بی‌همتای آموزش هنر مدرن در ژاپن از این قرارند: در

گذشته تأکید بر «واردات» مفاهیم هنری از کشورهای غربی بارز بود، اما از حدود سال ۱۹۶۵ به بعد دیگر این‌گونه نیست. آموزش یکپارچه‌ای که از طرف دولت به مردم ارائه شود در گذشته یک قاعده دانسته می‌شد، اما طی دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۵۰ خواسته‌های بخش خصوصی به شکل آشکارتری بیان شدند، و منتهی به تغییراتی در روندهای تاریخی انجامیدند که تدریس هنر از آن‌ها سرچشمه می‌گرفت. حتی در رشته هنر نیز ارتباطی قوی میان آموزش و کتاب‌های درسی این رشته وجود دارد و در بسیاری از موارد تغییراتی که در کتاب‌های درسی مشاهده می‌شوند، با تغییرات در آموزش هنر تطابق دارند. همچنین ارتباطی قوی بین کتاب‌های درسی و دولت را شاهد هستیم. می‌توان گفت که در کنفرانس INSEA (۱۹۶۵)، تدریس هنر در ژاپن به سمت استانداردهای جهانی حرکت کرد. شاید این گفته درست باشد که ژاپن امروزه از نظر شرکت در فعالیت‌های هنری پرشوری که در گذشته انجام می‌گرفت کمبود دارد. اما اگر از منظر دیگری که به این قضیه بنگریم ما در می‌یابیم که سازمان‌های آموزش هنر در بخش خصوصی نقش تاریخی خود را به‌خوبی ایفا کرده‌اند. البته این امر با توجه به روابط بسیار نزدیک‌تری که بین بخش‌های دولتی و خصوصی در حال شکل‌گیری است امر عجیبی نیست (اوکازاکی و ناکاروما، ۲۰۰۳).

جدول ۴. عناصر برنامه درسی هنر در ژاپن در دوره ابتدایی

رویکرد	تربیت هنری
هدف‌های کلی	<ul style="list-style-type: none"> ■ هدف اصلی تربیت هنری، شکوفایی و رشد انسان از طریق تربیت هنری است و موضوعات چند فرهنگی، فرهنگ ملی، میراث فرهنگی ملی، و آموزش از طریق موزه‌ها در برنامه درسی مورد توجه قرار می‌گیرد ■ تقویت توانمندی ابتدایی دانش‌آموزان برای انجام فعالیت‌های خلاقانه و تولیدی از طریق شرح و توصیف، ارزش‌شناسی و نقد
محتوا	<ul style="list-style-type: none"> ■ موسیقی، هنر و کاردستی ■ توصیف و ارزش‌شناسی
برنامه درسی	<ul style="list-style-type: none"> ■ هنر ژاپنی از دو حوزه تشکیل می‌شود: «توصیف» و «ارزش‌شناسی».
تلقی از یادگیرنده و نقش معلم	<ul style="list-style-type: none"> ■ معلمان باید به کشفی ظریف یا شادی مطبوع در زندگی روزانه ارزش بگذارند و تجربیات جالب یا به فکر وادارنده را جمع‌آوری کنند. هدف این است که به ماهیت خود فعالیت کودک توجه شود ■ معلمان باید به‌جای سعی در آموزش دانش، کاری انجام می‌دهند که کودکان خودشان تجربه کنند ■ دانش‌آموز در اکتساب یا فهمیدن اطلاعات نباید منفعل باشد، بلکه باید همدلی ابراز کنیم تا او تشویق شود که به زبان خود دست به توصیف بزند و در مورد معنای مواد بیندیشد

جدول ۴. (ادامه) عناصر برنامه درسی هنر در ژاپن در دوره ابتدایی

رویکرد	تربیت هنری
خلاقیت	■ تقویت توانمندی ابتدایی دانش‌آموزان برای انجام فعالیت‌های خلاقانه و تولیدی از طریق شرح و توصیف، ارزش‌شناسی و نقد صورت می‌گیرد. به‌خصوص در آموزش هنرها، مدرسه‌های ژاپنی از خلاقیت استفاده می‌کنند، زیرا هنر اصل و اساس است و موضوعی حاشیه‌ای نیست
اجرا	■ در کشور ژاپن میزان ساعات اختصاص داده‌شده به تربیت هنری (شامل موسیقی، هنر و کاردستی) در دوره ابتدایی از زمان تخصیص یافته به درس‌هایی چون علوم، تعلیمات اجتماعی، اخلاق و دینی بیشتر و با اندکی تفاوت تقریباً معادل ساعات درس ریاضی است
آثار هنری	■ کمک به دانش‌آموزان برای پرورش ظرفیت بنیادین آن‌ها در فعالیت‌های هنری خلاقانه که به آفرینش نیاز دارند، از طریق انجام فعالیت‌های توصیف و ارزش‌شناسی، و تجربه کردن لذت توصیف، و غنی‌سازی احساسات دانش‌آموزان
ارزشیابی	■ «درک»، «دیدگاه» و «مهارت» به‌عنوان عامل‌هایی ذکر شدند که باید هنگام ارزشیابی دستاوردهای دانش‌آموز مورد توجه قرار بگیرند. بنابراین ارزشیابی‌ها صرفاً حاصل بررسی کلی دستاوردهای دانش‌آموز در یک ماده درسی‌اند نه ارزشیابی از عامل‌های خاص

● مقایسه عناصر برنامه درسی هنر در ایران و ژاپن در دوره ابتدایی

جدول ۵. مقایسه عناصر برنامه درسی هنر در ایران و ژاپن در دوره ابتدایی

رویکرد	هنر در ایران	هنر در ژاپن
هدف‌های کلی	■ درک و فهم هنر از طریق خلق آثار هنری در حوزه‌های نقاشی و کاردستی، و تلفیق آن با تربیت شنوایی، قصه‌گویی و نمایش ■ توسعه مهارت‌های حسی و گفتاری از طریق تربیت شنوایی، قصه‌گویی و نمایش ■ آشنایی با مواد و ابزار در فعالیت‌های یادگیری	■ هدف اصلی تربیت هنری، شکوفایی و رشد انسان از طریق تربیت هنری است و موضوع‌های چند فرهنگی، فرهنگ ملی، میراث فرهنگی ملی، و آموزش از طریق موزه‌ها در برنامه درسی مورد توجه قرار می‌گیرد ■ تقویت توانمندی ابتدایی دانش‌آموزان برای انجام فعالیت‌های خلاقانه و تولیدی از طریق شرح و توصیف، ارزش‌شناسی و نقد
محتوا	■ ارتباط با طبیعت ■ نقاشی، کاردستی، تربیت شنوایی، قصه و قصه‌گویی، و نمایش	■ موسیقی، نقاشی و کاردستی ■ توصیف و ارزش‌شناسی
برنامه درسی	■ برخورداری از راهنمای برنامه درسی هنر (نداشتن کتاب درسی هنر - در مرحله اعتباربخشی برنامه درسی هنر چهارم و پنجم است).	■ هنر ژاپنی از دو حوزه تشکیل می‌شود: «توصیف» و «ارزش‌شناسی».

جدول ۵. (ادامه) مقایسه عناصر برنامه درسی هنر در ایران و ژاپن در دوره ابتدایی

رویکرد	هنر در ایران	هنر در ژاپن
تلقی از یادگیرنده و نقش معلم	<ul style="list-style-type: none"> توجه به هوش‌های چندگانه دانش‌آموزان در طراحی فعالیت‌ها و محتوای برنامه درسی هنر یادگیرندگان به آموزش نیاز دارند 	<ul style="list-style-type: none"> معلمان باید به کشفی ظریف یا شادی مطبوع در زندگی روزانه ارزش بگذارند و تجربیات جالب یا به فکر وادارنده را جمع‌آوری کنند. هدف این است که به ماهیت خود فعالیت کودک توجه شود معلمان باید به‌جای سعی در آموزش دانش، کاری انجام دهند که کودکان خودشان تجربه کنند دانش‌آموز در اکتساب یا فهمیدن اطلاعات منفعل نیست، بلکه باید همدلی ابراز کنیم تا او تشویق شود به زبان خود دست به توصیف بزند و در مورد معنای مواد بیندیشد
خلاقیت	<ul style="list-style-type: none"> با توجه به تأکید بر تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و رشته‌های هنری مختلف و جهت‌گیری‌های فرایندی معلم، چنانچه به‌درستی اجرا شود امکان پرورش خلاقیت وجود دارد. به‌منظور توسعه مهارت‌های هنری، تقلید و نسخه‌برداری به‌صورت تلویحی انجام می‌شود 	<ul style="list-style-type: none"> تقویت توانمندی ابتدایی دانش‌آموزان برای انجام فعالیت‌های خلاقانه و تولیدی از طریق شرح و توصیف، ارزش‌شناسی و نقد صورت می‌گیرد. به‌خصوص در آموزش هنرها، مدرسه‌های ژاپنی از خلاقیت استفاده می‌کنند، زیرا هنر اصل و اساس است و موضوعی حاشیه‌ای نیست
اجرا	<ul style="list-style-type: none"> ساعت هنر به مدت ۴۵ دقیقه به‌طور معمول در کلاس درس است ولی در برخی مدارس، در اتاق ویژه هنر (کارگاه هنر) اجرا می‌شود که تعداد این‌گونه مدارس بسیار اندک است 	<ul style="list-style-type: none"> در کشور ژاپن میزان ساعات اختصاص داده‌شده به تربیت هنری (شامل موسیقی، هنر و کاردستی) در دوره ابتدایی از زمان تخصیص یافته به درس‌هایی چون علوم، تعلیمات اجتماعی، اخلاق و دینی بیشتر و با اندکی تفاوت تقریباً معادل ساعات درس ریاضی است
آثار هنری	<ul style="list-style-type: none"> توجه به ساخت و خلق اثر هنری با تأکید بر جهت‌گیری فرایندی معلم که در طراحی و تدوین برنامه درسی هنر در نظر گرفته شده است 	<ul style="list-style-type: none"> کمک به دانش‌آموزان برای پرورش ظرفیت بنیادین آن‌ها در فعالیت‌های هنری خلاقانه که به آفرینش نیاز دارند، از طریق انجام فعالیت‌های توصیف و ارزش‌شناسی و تجربه کردن لذت توصیف، و غنی‌سازی احساسات آن‌ها
ارزشیابی	<ul style="list-style-type: none"> ارزشیابی توصیفی مبتنی بر ساخت و خلق اثر هنری (فرم و عناصر بصری آن)، معنا، گفت‌ووشنود، همکاری فکری و ابزاری، ارتباط کلامی به‌صورت بیان عواطف و احساسات، ایفای نقش (بازیگری)، حساسیت به صداهای موزون و نظایر آن 	<ul style="list-style-type: none"> «درک»، «دیدگاه» و «مهارت» به‌عنوان عامل‌هایی ذکر شده‌اند که باید به هنگام ارزشیابی از دستاوردهای دانش‌آموز مورد توجه قرار گیرند. بنابراین ارزشیابی‌ها صرفاً حاصل بررسی کلی دستاوردهای دانش‌آموز در یک ماده درسی هستند، نه ارزشیابی از عامل‌های خاص

● تطبیق و تحلیل برنامه درسی هنر در ایران و ژاپن

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده پیرامون برنامه درسی هنر در ایران می‌توان نتیجه گرفت که چه در برنامه درسی هنر قدیم و چه در برنامه درسی جدید هنر هنوز هم مدرسه‌ها در اجرای برنامه درسی با دشواری‌هایی مواجه هستند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- اختصاص ساعت درس هنر برای جبران درس‌های عقب‌مانده و انجام تکالیف درس‌های دیگر؛

- استفاده نکردن از روش‌ها و الگوهای مناسب تدریس همچون روش اکتشافی (پژوهش‌گرومی و فعالیت انفرادی) (محمدپور، ۱۳۸۲)؛

- نبود منابع و رسانه‌های دیداری و شنیداری به‌منظور دیدن هنرهای بصری و شنیدن آثار موسیقایی هنرمندان؛

- کمبود مواد و وسایل لازم و همچنین بی‌توجهی به اصل فعالیت خود دانش‌آموز برای توسعه ارتباط و تعامل میان دست و ذهن (سلطانی، ۱۳۸۷)؛

- نداشتن محیطی غنی به نام کارگاه هنر و به‌کار نگرفتن معلم خاص هنر در مقام تقویت‌کننده تجربه زیبایی‌شناسی و خلاقیت دانش‌آموزان؛

- محدود بودن منابع آموزشی و استفاده نکردن اصولی از منابع و زمینه‌های تجربی موجود؛

- انجام نشدن بازدید از نگارخانه‌ها، موزه‌ها و نمایشگاه‌های هنر به‌منظور مقایسه آثار هنرمندان با اثر هنری دانش‌آموزان، در جهت «تقویت قابلیت‌های ادراکی، تولیدی و تأملی» آنان و همچنین، دسترسی نداشتن یا به‌کار نگرفتن منابع رسانه‌ای و چندرسانه‌ای؛ همچون مجله، کتاب، ویدیو، سی‌دی، رایانه، شبکه اینترنت و ...؛

- کم‌توجهی مدیران مدرسه‌ها و نبود تمهیدات و تجهیزات مورد نیاز در آموزش هنر، غافل شدن از کارکردهای اولیه درس هنر، نظیر رشد خلاقیت و آفرینش‌های هنری، تقویت تجربه زیبایی‌شناسی، و توسعه ارتباط و تعامل میان دست و ذهن و همچنین بی‌توجهی به کارکردهای ثانویه درس هنر، مانند استفاده از آن برای درک بهتر مفاهیم درسی به‌طور خاص و استفاده نکردن از منابع موجود در جامعه به‌طور عام؛

- در اختیار نداشتن کتاب راهنمای برنامه درسی جدید هنر یا نداشتن دانستنی‌های لازم در خصوص آموزش هنر در دوره ابتدایی (شرفی، ۱۳۸۵)؛

- کم‌توجهی به برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت هنر در منطقه‌های آموزشی؛

- کم‌اهمیت شمردن درس هنر و ساعت هنر در میان سایر درس‌ها توسط آموزگاران و مدیران

مدرسه‌ها و گروه‌های آموزشی؛

- نبود فضای آموزشی و تجهیزات لازم برای فعالیت دانش‌آموزان؛
- بهره‌داری نکردن از ارتباط میان درس هنر و سایر درس‌ها به‌منظور پیشرفت یادگیری؛
- فقدان نظارت و راهنمایی آموزشی در ساعت درس هنر مدرسه‌ها توسط راهنمایان تعلیماتی و نظایر آن (امینی، ۱۳۹۶).

هم‌سو با نتایج این پژوهش، شرفی (۱۳۸۸) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل و نقدی بر برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در گذشته و در وضع موجود» اشاره می‌کند که معلمان دوره ابتدایی کتاب راهنمای برنامه درسی جدید هنر را در اختیار ندارند. همچنین برای معلمان در دوره‌های ضمن خدمت، آموزش‌های کافی در زمینه برنامه درسی هنر ارائه نشده‌اند. نتایج نشان داده‌اند: که با وجود برخورداری برنامه درسی جدید ایران از رویکرد تربیت هنری، همچنان ناهم‌خوانی‌هایی بین برنامه‌های درسی هنر طراحی شده و اجرا شده، و نتایج حاصل وجود دارد. از جمله اینکه اگرچه در برنامه درسی فعلی به حوزه مهارت‌ها توجه شده، اما کمتر به مبانی هنرهای تجسمی پرداخته شده است.

مهرمحمدی (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای نظری با عنوان «تربیت هنری در ایران، بازشناسی حوزه مغفول» به بررسی و نقد وضعیت موجود آموزش هنر دوره ابتدایی ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهند؛ طی سه دهه ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ در ایران، زمان اختصاص یافته به هنر در دوره ابتدایی ایران ۷۰ درصد کاهش یافته است. درحالی‌که مطالعات نشان می‌دهند هنر باید بخش اصلی هر نظام آموزشی باشد. همچنین زمان، منابع کافی و محتوای مناسب برای پشتیبانی آموزش هنر در ایران وجود ندارد. این مطالعه نشان می‌دهد: برنامه درسی هنر در نظام آموزشی ایران از دو ناهنجاری شدید رنج می‌برد: اول، تلقی هنر به‌عنوان موضوع درسی مجزا که آن را به برنامه درسی مغفول تبدیل کرده است. به این معنا که تربیت هنری به طورکلی از موضوع‌های مورد غفلت سیاست‌گذاران آموزش ابتدایی بوده است. دوم، وجود برنامه درسی مغفول پنهان در تربیت هنری. به این معنا که تربیت هنری در نظام آموزشی ایران نسبت به شرایط متحول اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، علمی جامعه - اعم از جامعه محلی، ملی و بین‌المللی - پاسخ‌گو نیست.

برخلاف برنامه درسی هنر در ایران بررسی‌ها نشان می‌دهند که برنامه درسی هنر در ژاپن در دوره ابتدایی شامل ویژگی‌های زیر است:

- برنامه‌های درسی دوره ابتدایی در ژاپن دو ویژگی مهم دارند: ۱. برنامه درسی ژاپنی‌ها خیلی مقتدرانه و به تعبیر کارشناسان مختصر و مفید است. ۲. بر رشد همه‌جانبه کودکان

تأکید دارد (اوکازاکی و ناکاروما، ۲۰۰۳).

- در کشور ژاپن میزان ساعات اختصاص داده‌شده به تربیت هنری (شامل موسیقی، هنر و کاردستی) در دوره ابتدایی، از زمان تخصیص یافته به درس‌هایی چون علوم، تعلیمات اجتماعی، اخلاق و دینی بیشتر و با اندکی تفاوت تقریباً معادل ساعات درس ریاضی است.
- در ژاپن برنامه درسی ملی وجود دارد ولی حدود یک‌سوم از ساعات آموزشی مدرسه‌های ابتدایی به موضوع‌های غیر آکادمیک چون هنر، موسیقی و تربیت بدنی، خانه‌داری و فعالیت‌های ویژه اختصاص دارد (آقازاده، ۱۳۸۷).
- معلمان و والدین ژاپنی تأکید زیادی بر اصول اولیه یادگیری دارند. هنر، موسیقی و آموزش جسمانی نقش مهمی در برنامه عمومی آموزشی بازی می‌کنند. کودکان وقت زیادی را به برنامه‌ریزی آماده‌سازی و شرکت در رویدادهای سالانه در سطح مدرسه اختصاص می‌دهند که ارتباط مستقیم با موفقیت‌های علمی ندارند (بختیاری، ۱۳۸۸).
- حتی در رشته هنر نیز ارتباطی قوی میان آموزش و کتاب‌های درسی این رشته وجود دارد و در بسیاری از موارد، تغییراتی که در کتاب‌های درسی مشاهده می‌شوند، با تغییرات در آموزش هنر تطابق دارند. همچنین ارتباطی قوی بین کتاب‌های درسی و دولت را شاهد هستیم.
- برنامه آموزش مدارس ابتدایی زمان کافی برای موسیقی، هنر و تفریحات جسمانی فراهم می‌آورد. فعالیت‌هایی ویژه نقش مهمی در برنامه کلی آموزش بازی می‌کنند و شامل فعالیت‌هایی چون حضور در کلوب‌ها، شرکت در فستیوال‌ها (جشنواره‌های) در سطح مدرسه، رقابت‌ها و مشارکت‌های دانش‌آموزی، و دیگر فعالیت‌های اجرایی توسط دانش‌آموزان می‌شوند.
- معلمان به‌ویژه در سطح ابتدایی تأکید دارند که نقش آنان بهبود کلی آموزش کودکان است، نه فراهم آوردن آموزش علمی صرف برای آنان (بختیاری، ۱۳۸۷).
- اغلب معلمان مدرسه‌های ابتدایی در دانشگاه‌های ملی و در دوره‌های چهارساله لیسانس تربیت می‌شوند، با این وجود، برخی از آن‌ها در دانشگاه‌های خصوصی و مدرسه‌های عالی تعلیم داده می‌شوند (وایت، ۱۳۸۸/۲۰۰۴).
- معلمان به‌جای سعی در آموزش دانش، باید کاری انجام دهند که کودکان خودشان تجربه کنند.
- دانش‌آموز در اکتساب یا فهمیدن اطلاعات منفعل نیست، بلکه معلم با او همدلی می‌کند تا او تشویق شود، به زبان خود دست به توصیف بزند و در مورد معنای مواد بیندیشد (سرکارآرانی، ۱۳۸۱).

● مثال‌هایی از حمایت برای ارتقای هنر

«آژانس امور فرهنگی» در سطح ملی برای ترویج هنر از نظر آموزشی، برنامه‌هایی را طراحی و اجرا می‌کند:

۱. برای ارتقای فعالیت‌هایی که بچه‌ها را قادر می‌سازند، فرهنگ و هنر را تجربه کنند، پروژه‌هایی به شرح زیر اجرا شدند:

● فرصت‌های مناسب برای مشاهده مراحل هنرها: برای اجرای گروه‌های هنری دانش‌آموزی، راهنمایی‌های کاربردی ارائه می‌شوند تا بچه‌ها به درک عمیق هنرهای گوناگون نائل آیند. همچنین فرصت‌هایی برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود تا در کارگروه‌ها شرکت کنند و با هنرهای واقعی ارتباط نزدیک بگیرند.

● افزایش فعالیت‌های فرهنگی در مدارس: علاقه بچه‌ها به هنر، به وسیله اعزام آن‌ها برای دیدار با هنرمندان محبوبی که کارها و فعالیت‌های برجسته می‌کنند و حضور حافظان فرهنگ سنتی در مدرسه که به ارائه مهارت‌های برجسته و سخنرانی درباره فعالیت‌های فرهنگی لذت‌بخش و غرورانگیز می‌پردازند تقویت می‌شود. افزون بر این، فرصت‌هایی را برای ارائه نتایج فعالیت‌های فرهنگی فراهم می‌کنند تا بچه‌ها درک روشنی نسبت به هدف‌های هنری به دست آورند و خودشان در فعالیت‌های باشگاه فرهنگی شرکت کنند.

۲. حمایت از شرکت در طرح‌های فرهنگی:

آژانس امور فرهنگی برنامه‌هایی را طراحی می‌کند تا دانش‌آموزان با انواع هنر به‌طور مستقیم ارتباط بگیرند و تجربه کسب کنند. این آژانس در طول سال فرصت‌هایی فراهم می‌کند تا کودکان هنرهای گوناگون در حوزه زندگی روزمره‌شان را تجربه کنند و در نهایت، آثار و هنرهای آن‌ها در قالب یک طرح الگویی (۴۷ الگوی منطقه‌ای در سراسر کشور) حمایت می‌شود.

۳. پشتیبانی از امکانات فرهنگی:

● پشتیبانی از پروژه‌هایی که با همکاری مدرسه‌ها و با امکانات هنری چندگانه خانه‌های مرکزی در منطقه اجرا می‌شوند و پروژه‌های مشترک کارآموزی و تحقیقاتی که با همکاری سایر موزه‌های هنرهای زیبا به اجرا درمی‌آیند.

● آموزش روش‌های تولید محتوای آموزشی (با و بدون IT) برای استفاده در فعالیت‌هایی از قبیل صنایع دستی، فعالیت‌های ترویجی و آموزش‌های نوع تجربی که به وسیله موزه‌داران هنگام بازدید از مدرسه‌ها ارائه می‌شوند (وایت، ۱۳۸۸/۲۰۰۴).

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

برنامه‌های درسی هنر دوره‌ی ابتدایی در گذشته و در حال حاضر نقاط قوت و ضعف قابل توجهی داشته‌اند از جمله: وجود راهنمای برنامه‌ی درسی هنر و آموزش‌های سالانه، ضمن خدمت نمایندگان استان‌ها، از نقاط عمده‌ی قوت برنامه‌ی درسی جدید هنر است. از سوی دیگر، وجود کتاب درسی دانش‌آموز و توجه به هنرهای ملی (ایرانی - اسلامی) در برنامه‌های درسی گذشته، از نقاط قوت عمده‌ی آن محسوب می‌شود. رویکرد تربیت هنری در برنامه‌ی درسی جدید هنر که در راهنمای آن به‌خوبی بیان شده است، و همچنین رویکردهای سنتی و دیسیپلین محور در برنامه‌ی درسی گذشته، از رویکردهای مورد نیاز در آموزش هنر هستند. توجه به تلفیقی از شکل‌های هنری، مانند ارتباط با طبیعت به‌صورت فعالیت‌های زیباشناسانه، نقاشی، کاردستی، موسیقی، قصه‌گویی و نمایش؛ از نکات برجسته‌ی برنامه‌ی درسی جدید هنر هستند، و بی‌توجهی به هنر خوشنویسی که در برنامه‌ی درسی گذشته به‌عنوان تقویت هویت، هنر و فرهنگ ملی مورد توجه بوده، از بی‌مهری‌هایی است که در برنامه‌ی درسی جدید هنر صورت گرفته است.

با عنایت به مطالب مذکور می‌توان گفت: اساساً تربیت هنری در نظام آموزشی کشور ما در مقایسه با کشور ژاپن، با محدودیت‌های نظری و فکری، و از سوی دیگر با موانع و تنگناهای اجرایی و عملی دست‌به‌گریبان است. محدودیت‌های نظری ریشه در عدم اعتقاد و باور برنامه‌ریزان و کارورزان آموزشی به‌ضرورت و نقش ویژه‌ی تربیت هنری در شکوفایی قابلیت‌ها و استعداد‌های دانش‌آموزان و تحقق هدف‌های نظام آموزشی دارد.

بنابراین، تدوین چارچوبی از پیوند هدف‌ها و محتوای برنامه‌ی درسی هنر دوره‌ی ابتدایی می‌تواند قلمرو این برنامه را مشخص و برنامه‌ریزان درسی را راهنمایی کند. در برنامه‌ی درسی جدید هنر دوره‌ی ابتدایی به کار با کاغذ و مقوا، مواد طبیعی، دور ریختنی‌ها، حجم‌سازی با گل رس، اشاره شده، اما ارتباط تولید هنری با زندگی کمتر مطرح شده است. در صورتی‌که تمامی آنچه پیرامون دانش‌آموزان را فراگرفته است، می‌تواند بر غنای تولید هنری بیفزاید.

از نظر محقق با وجود نقش و اهمیتی که هنر و تربیت هنری در رشد و پرورش قابلیت‌ها و استعداد‌های دانش‌آموزان و تحقق هدف‌های نظام آموزشی دارد در عمل مشاهده می‌شود که مقوله مذکور از جایگاه مناسبی در برنامه‌های درسی نظام آموزشی کشور ما برخوردار نیست. طی سالیان متمادی، نوع برخورد و رویکرد نظام آموزشی و به‌تبع آن مدیران و معلمان مدرسه‌ها در سطح کشور نسبت به تربیت هنری بیانگر

آن است که گویی این حوزه باید صرفاً به‌عنوان یک پدیده آموزشی فرعی و حاشیه‌ای مورد توجه قرار گیرد. از این نظر وضعیت نامناسب و ناکارآمد تربیت هنری در نظام آموزش و پرورش کشور ما، بیش و پیش از هر علت، ریشه در محدودیت‌های فکری و فقدان بینش، اعتقاد و باور برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی به‌ضرورت وجودی تربیت هنری دارد. بر مبنای چنین باور و ذهنیتی است که می‌توان در مرحله تدوین و طراحی برنامه درسی، حوزه هنر را عمده‌مورد غفلت قرارداد و همه منابع آموزشی را صرف حوزه‌های محتوایی بنیادی (ریاضی، علوم، زبان مادری و دینی) کرد تا دانش‌آموزان بتوانند در آن‌ها به احراز قابلیت‌های حداکثری نائل آیند.

■ پیشنهادات ■

- پیش‌بینی لازم برای اختصاص زمان کافی به درس هنر در برنامه هفتگی دانش‌آموزان دبستانی از ضروریات اجرایی برنامه درسی هنر است. لذا در دوره ابتدایی حداقل دو ساعت مفید به‌طور هفتگی به درس هنر اختصاص داده شود.
- در مراکز تربیت‌معلم، مربیان پرورشی درس‌های تخصصی رشته‌های هنری را بیاموزند تا تجربیات هنری، تفکرات و اصول بصری و زیبایی‌شناسی‌شان افزایش یابد زیرا در صورت نداشتن تجربه هنری، توانایی مدیریت و استفاده از هنر در توسعه فعالیت‌های امور تربیتی را نخواهند داشت.
- محیطی مناسب برای آموزش عملی درس هنر در مدرسه‌ها به کمک مربیان متخصص به وجود آید.
- متأسفانه کارشناسان در بعضی مناطق هنوز به ارزش این زبان شگفت‌انگیز پی نبرده‌اند و با وجود دبیران تخصصی، درس هنر را غیر تخصصی‌ها تدریس می‌کنند. لازمه توسعه هر فعالیتی به‌وسیله زبان هنر، یادگیری الفبای زبان هنر و درک هنری است. از این‌رو، برنامه‌ریزی درسی رشته‌های گوناگون هنری به‌صورت نظری و عملی مورد توجه ویژه قرار گیرد.
- از مطالعات و تجربیات آموزشی کشورهای دیگر در زمینه تربیت هنری بهره‌گرفته شود.
- به هنرهای بومی موجود در سطح منطقه‌ای و محلی و استفاده مناسب از آن‌ها در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، که علاوه بر جذابیت و سهولت دستیابی به آن‌ها بستر بسیار مناسبی را برای دوام، ماندگاری و انتقال این هنرها فراهم می‌آورد، توجه شود.

منابع

- امینی، محمد. (۱۳۹۷). تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش. تهران: انتشارات آبیژ.
- آقازاده، احمد. (۱۳۸۷). آموزش و پرورش تطبیقی. تهران: سمت.
- بختیاری، ابوالفضل. (۱۳۸۷). درآمدی به فرهنگ آموزش در ژاپن. مدارس کارآمد، ۳(۷)، ۹۱-۹۰.
- بختیاری، ابوالفضل. (۱۳۸۸). جستاری به فرهنگ آموزش در ژاپن. همایش ششویه‌های نوین در مدیریت مدارس در هزاره سوم، کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- دبیرخانه طرح تحول تولید برنامه درسی ملی. (۱۳۹۸). برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (طرح جامع تحول بنیادین برنامه‌های درسی و تربیتی، شماره ۴). تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- راهنمای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی. (۱۳۹۰). وزارت آموزش و پرورش. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی دوره عمومی و نظری.
- رضایی، منیره. (۱۳۸۸). تدوین الگوی نظری تربیت زیبایی‌شناسی و هنری در تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران (طرح پژوهشی پژوهشکده تعلیم و تربیت). تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- سرکارآرانی، محمد رضا. (۱۳۹۳). آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم. پیوند، ۶۲(۲۴۲)، ۱۲۹-۱۲۵.
- سرکارآرانی، محمد رضا. (۱۳۸۱). اصلاحات برنامه درسی ملی ژاپن با تأکید بر رویکرد تلفیقی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱(۱)، ۶۷-۸۸.
- سلطانی، فاطمه. (۱۳۸۷). اثر هنر نقاشی در تربیت. نگاه وزارت آموزش و پرورش، ۱۹(۳۵۰)، ۱۲.
- شرفی، حسن. (۱۳۸۸). تحلیل و نقدی بر برنامه درسی هنر دوره ابتدایی ایران در گذشته و وضع موجود. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، وزارت آموزش و پرورش.
- شرفی، حسن. (۱۳۸۸). نیازهای آموزشی معلمان و برنامه‌ریزان در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی. جلوه هنر، ۱(۱)، ۸۶-۷۳.
- شرفی، حسن. (۱۳۸۵). ارزیابی برنامه درسی هنر دوره ابتدایی (نقاشی، کاردستی و خوشنویسی). فصلنامه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱(۴)، ۱۵۰-۱۲۳.
- شریف‌زاده، سید عبدالمجید. (۱۳۸۷). مبانی هنرهای سنتی. تهران: کتاب ماه هنر.
- کریمی، اکبر. (۱۳۹۷). نقش هنر در فعالیت‌های امور تربیتی. نگاه وزارت آموزش و پرورش، ۲۰(۳۷۳)، ۷.
- کیان، مرجان و مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۲). شناسایی وجوه و ابعاد مفعول برنامه درسی هنر دوره ابتدایی. دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شهید، ۲۰(۳)، ۱۸-۱.
- محمدپور، آیت‌الله. (۱۳۸۲). آموزش هنر در مدارس دوره ابتدایی. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- مهر محمدی، محمود. (۱۳۸۳). چیستی، چرایی و چگونگی آموزش عمومی هنر. تهران: انتشارات مدرسه.
- نبوی، سید صادق. (۱۳۹۲). نقش هنر در پرورش خلاقیت و ارتقای سلامت روانی دانش آموزان. رشد آموزش، ۸(۴)، ۱۵-۱۰.
- نواب صفوی، مینا و رادپور، فاطمه. (۱۳۸۵). راهنمای برنامه درسی هنر: برای معلمان پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی. وزارت آموزش و پرورش.
- وایت، مری. (۱۳۸۸). مطالعات آموزشی در ژاپن (احساس تعهد به کودکان)، (ترجمه علی فرهودی‌زاده). تهران: نشر رسا. (اثر اصلی در سال ۲۰۰۴ چاپ شده است).
- Alter, F., Hays, T., & O'Hara, R. (2009). The challenges of implementing primary arts education: What our teachers say. *Australasian Journal of Early Child hood*, 34(4), 22-30.
- Dobbs, S. M. (2004). Discipline-based art education. In Elliot W. Eisner & Michael D. Day (eds), *Handbook of research and policy in art education* (pp. 701-724). New York: Routledge
- Eisner, E. W. (2002). *The arts and the creation of mind*. New Haven and London: Yale University Press.

- Grierson, E. (2011). Art and creativity in the global economies of education. *Educational Philosophy and Theory*, 43(4), 336-350.
- Mehr Mohammadi, M. (2003). Arts Education in Iran Reclaiming the Lost Ground. *The International Journal of Humanities*, 10, 41-51.
- Newton, D. P., & Donkin, H. (2011). Some notions of artistic creativity amongst history of art students acquired through incidental learning. *International Journal of Education through Art*, 7(3), 283-298.
- Okazaki, A., & Nakamura, K. (2003). Symposium: Aesthetic Education in Japan Today. *The Journal of Aesthetic Education*, 37(4), 1-3.
- Ward, J., Thompson-Lake, D., Ely, R., & Kaminski, F. (2008). Synaesthesia, creativity and art: What is the link? *British Journal of Psychology*, 99(1), 127-141.

پی‌نوشت‌ها

1. Eisner
2. Newton & Donkin
3. Grierson
4. Ward, Thompson, Ely
5. Alter, Hays & O'Hara
6. Dobbs, S. M

۶. در بررسی رویکردهای آموزش هنر که هر یک به نقاط قوت اشاره می‌کند در تحلیل نهایی، رویکرد دیسیپلین محوری، رویکردی متعادل در آموزش هنر است (هوروتیز و دی ۱۹۹۱، نقل شده در مهرمحمدی ۱۳۸۳)

7. Discipline Based of Art Education (DBAE).
9. Okazaki, A., & Nakamura, K.